



اصالت سنجی

مقاله پژوهشی

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:
Iran Contemporary architecture and
the globalization problematic,
در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۶، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صفحه ۸۰ - ۱۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۶، تاریخ بررسی اولیه: ۱۴۰۲/۵/۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۵، تاریخ
انتشار: ۱۴۰۲/۷/۱

معماری معاصر ایران و مسئله جهانی شدن (بررسی علل ناکامی معماری معاصر ایران از دستیابی به معماری جهانی)

امیرداود مصلحت‌جو
مریم قاسمی سیچانی*
وحید قبادیان
بیژن عبدالکریمی

گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران
گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده: دنیای معاصر، به واسطه رسوخ وسایل ارتباطی نوین، هویت معین خود را دائماً در حال تغییر معیار، تحول و بحران می‌بیند. دیدگاه جهانی در مورد تغییر ماهیت معماری مدرن، بینش‌های اساسی را در مورد موضوعاتی از قبیل تأثیر فناوری بر معماری مبتنی بر روابط میان سنت و بدعت، ارائه می‌کند. در این میان، با وقوع انقلاب صنعتی، شیوه تولید تکنولوژیک جدیدی قدم به عرصه وجود می‌نهد؛ که متکی بر ماشین است. بدین ترتیب، سرمایه به عنوان یک عامل مهم تولید، رخ می‌نماید و جریان‌های دیگری در توسعه، پدیدار می‌شوند؛ که نظریه‌پردازی‌های جدید را در عصر پسانوسازی و جهانی شدن رقم زده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جهانی شدن یا سنتی ماندن، نتیجه چالش میان سنت و تجدد در بستر فرهنگ جهانی است و دستیابی به آن، متأثر از صنعت، سرمایه، تکنولوژی و رقابت می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا با روش کیفی و در قالبی تاریخی، به ریشه‌یابی مسئله عقب‌ماندگی معماری معاصر ایران از معماری جهانی و فرایند جهانی شدن، بپردازد. به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از ناکامی‌ها، در فهم شرایط موجود معماری و توانایی شناخت گفتمان‌های تاریخی نهفته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن^۱، فرهنگ جهانی^۲، معماری جهان^۳، معماری معاصر ایران^۴.

*ایمیل مسئول مکاتبات: mghasemi@khuisf.ac.ir

این مقاله، برگرفته از رساله دکتری امیرداود مصلحت‌جو با عنوان «تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم» می‌باشد؛ که به راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیچانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، انجام پذیرفته است.

¹ Globalization

² Global Culture

³ world architecture

⁴ Iran Contemporary Architecture

۱- مقدمه

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین بحران‌های انسان امروز، بحران در تفکر سیاسی و اجتماعی است. این بحران را می‌توان حاصل حصر اندیشه اجتماعی در میان دو قطب نظام‌های ایدئولوژیک و تئولوژیک بنیادباور و نظام‌های لیبرالی تکثرگرای نیهیلیستی دانست. تن دادن به این حصر - چه از جانب بنیادباوری تئولوژیک و چه از جانب لیبرالیسم و نیز پذیرش نیهیلیسم مستتر در نظام‌های لیبرالی و انکار یا بی‌تفاوتی نسبت به بنیاد به دلیل هراس از سقوط در ورطه نظام‌های ایدئولوژیک - صرفاً به منزله پاک کردن صورت مسئله است و نه ارائه راه حل و برون‌شدی برای خروج از بحران (Abdolkarimi, 2017: 87-90). کثرت پدیده‌های امروز و تحولات میان‌رشته‌ای و بین فرهنگی، از یک سو ظرفیت ادراک را ارتقاء داده است و از سوی دیگر به ادراک گذشته، شک می‌کند. در پدیده جهانی‌سازی در جوامع بین‌المللی، گفتگوی فرهنگ‌ها، امری ضروری است و جهانی‌شدن به معنی نابودی اصالت و سنت نیست. زیرا تنوع فرهنگ‌ها چارچوب مرتفعی را برای ما فراهم آورده تا یک هویت جدید مبتنی بر اصالت فرهنگی و استفاده از ظرفیت تعامل با فرهنگ‌های پیرامونی شکل پذیرد. امروزه احیای فرهنگ‌های گذشته، رویایی بیش نیست و نگه‌داشتن ملت‌ها پشت مرزهای بسته، اشتباهی فلسفی و تاریخی است (Diba, 2000: 6-10). همه فرهنگ‌های جهان، گرفتار یک دوگانگی شده‌اند: هم‌گرایش شدید به جهانی‌شدن دارند، هم‌میل به فرورفتن در لاک خود؛ به بیان دیگر، تضادهای ناشی از این دو حیطة را هم در مجازی‌سازی می‌بینیم و هم در جهش‌های مذبحخانه به سوی معنویت از دست رفته. همه نشانه‌هایی که امروز با آن مواجه هستیم معرف این دوپهلویی و ابهام است (Shayegan, 2017: 10). جهانی‌سازی، در سراسر جهان، همواره با تقابل و تضاد تفکرات فرهنگی همراه بوده است. افزایش روز افزون

اختلافات فرهنگی بخشی از یک چرخش فرهنگی کلی در انعکاسی گسترده از مدرنیته است. مدرنیزاسیون پیشرفت کرده و تنوع فرهنگی و بیولوژیک را در راه خود پاک می‌کند و در این مسیر، فرصت‌ها (عقلانی‌سازی، استانداردسازی، کنترل) و تهدیدات (از خودبیگانگی، ناامیدی، جابه‌جایی) اندیشه خود را آشکار می‌سازد (Pieterse, 2019: 59). این خیال که هر آن چه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، دامنه کیهانی و عظمت تصویری و ایجاز و قدرت دراماتیک و تهرنگ آخالزمانی‌تار و ایهام نهفته در دیدگاه این خیال یعنی آن گرمایی که نابود می‌کند و نیرویی سرشار و نشانه‌فوران حیات نیز هست، جملگی خصایصی هستند که گمان می‌رود اسطس تخیل مدرنیته باشند. خاصه آن‌که قرابت میان مارکس و مدرنیست‌ها روشن‌تر خواهد شد اگر ما کل جمله‌ای را که این عبارت جزئی از آن است بازگوییم:

هر آن چه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود، هر آن چه مقدس است، دنیوی می‌شود و دست‌آخراً آدمیان ناچار می‌شوند با صبر و عقل با وضعیت واقع‌زندگی روابطشان با هم‌نوعان خویش رو به رو گردند (Berman, 2013: 111).

دنیای معاصر، به واسطه رسوخ وسایل ارتباطی نوین در تار و پود جامعه، هویت محول و معین خود را دائماً در حال تغییر معیار، تحول و بحران می‌بیند. دیدگاه جهانی در مورد تغییر ماهیت معماری مدرن، بینش‌های اساسی را در مورد موضوعاتی از قبیل تأثیر فناوری اطلاعات بر تولید معماری سفارشی مبتنی بر روابط میان سنت و نوآوری، ارائه می‌کند. چشم‌اندازی از یک اکو فرهنگ جهانی و نیروهای محلی؛ که معماری و شهرهای را شکل می‌دهد؛ که به جای کنترل مصرف‌کننده، سیستم مصرف را با آن منطبق

می‌نماید (Abel, 2012). در این میان، علاقه و کشش کنونی به فرهنگ، نشأت گرفته از آگاهی ملت‌ها و جهانی شدن مردمان جهان و اشاعه شناخت و تبادل فعالانه است. این کاربرد عامیانه، آگاهی مردم را از فرهنگ به مثابه زمینه‌های نسبی و متغیر معنا و ارزش، روشن‌تر بیان می‌کند. فرهنگ، به‌عنوان امری مصنوع و جامعه، به‌عنوان مصنوع انسان، همواره با علوم اجتماعی، دیدگاه‌ها و زوال انتقادی و مستقل آن، پیوسته و هم‌بسته بوده است (Geertz, 2020: 199). ولی مسلم آن است که این ایده‌ها، در حال تبدیل شدن به سکه رایج جامعه هستند؛ که سواد فزاینده مردم و فرهیخته شدنشان توسط گفتمان‌ها و رشته‌های مدرن، زبان و جهان‌بینی آن‌ها و اثرات این‌ها بر افکار عمومی و فرهنگ عامه، بر آن دامن زده است. لذا دیگر فرهنگ غربی را از غیرغربی متمایز نمی‌کنند. چراکه اکنون فرهنگ، درباره ما است (McCarthy, 2009: 217-229) و ابزار آن، ابعاد شناخت ما را نتیجه می‌دهد. در یک سیستم پویا، لایه‌های فرهنگ دارای سه بُعد حسی (از جنس کنش)، عقلی (از جنس بینش) و قلبی (از جنس گرایش)، نظام فرهنگ جمعی را در پیوند روبنایی / زیربنایی از تغییر و تحولات فرهنگی در زمان، ترسیم می‌کند؛ که دائماً توازن و تعادل جامعه را برهم‌زده و منجر به تلاش آگاهانه و ناآگاهانه جوامع برای رسیدن به تعادل، می‌گردد. این تلاش‌ها، جهت‌گیری انسان در هر فرهنگ جمعی را رقم می‌زند و منشأ شکل‌گیری شناخت‌های پذیرفته شده‌ای - چون باور، آگاهی و رفتار اجتماعی - می‌گردد (Zahed et al., 2013: 55-76). از این رو، به آن‌چه چیرستی فرهنگ را مشخص می‌کند و عناصر و اجزای تشکیل شده به افراد، گروه‌های اجتماعی و یک جامعه، تشخیص بخشیده و آن را از سایر حوزه‌های فرهنگی متفاوت می‌کند، هویت فرهنگی اطلاق می‌شود؛ که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را زبان و ادبیات، هنر، اعتقادات و دین، تاریخ و قومیت و آن‌چه در حوزه‌های

تمدنی از یک فرهنگ، به‌جای‌مانده و انسان بر اساس تجربه زندگی، از آن در پاسخ به سؤالات و ابهامات مختلف، به راه حلی دست یافته و تجلی عینی پیدا کرده است. یا در ذهنیت، تشکیل می‌دهد. فرهنگ، چیزی جز معانی نیست؛ که در پی هر رفتار و عملی وجود دارد. لذا بُعد ذهنی دارد و دارای ابعاد ارزشی، احساسی، نگرشی و شناختی؛ که مبنای زندگی اجتماعی واقع می‌شود (یونسکو، ۱۹۸۰). عنصر کلیدی همه این تحولات پارادایمی در نقش تاریخی فرهنگ است (McCarthy, 2009: eight). فرهنگ‌ها تعمیم‌دهنده اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازواره‌های بشری هستند (Jencks and Kropf, 2018: 150-151) فرهنگ‌های مختلف، زیبایی‌ها، ذوق‌ها، هنرها و ادب‌ها و آیین‌ها و افتخارات مختلف آفریده‌اند؛ که هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد. حفظ اصالت‌ها، نه به معنی حفظ و احیاء و ادامه آداب و آرای خرافاتی و خردناپسند پیشینیان، که به معنی شرکت‌ورزیدن فعال در آفرینش‌های فرهنگی، در لذت از دستاوردهای نیکوی فرهنگ قومی و بهترکردن آن‌ها است و بدین شیوه است که انسان، احساس هویت فرهنگی می‌کند (Sorouh, 2013: 183). رهیافت‌ها و طبقه‌بندی در مطالعه جهانی شدن بر چهار گونه است:

۱. رهیافت نظام جهانی^۱؛ که بر تقسیم جهان به محور، پیرامون و شبه پیرامون نظام سرمایه‌داری استوار است (علوم اجتماعی).
۲. رهیافت فرهنگ جهانی^۲؛ که بر جهانی شدن فرهنگ تأکید می‌نماید و بر مشکلات و مسائلی که یک فرهنگ همگن‌ساز متکی بر رسانه‌های جمعی برای هویت‌های ملی ایجاب می‌کند، تمرکز دارد (ادبیات پست‌مدرن).

¹ World Systems Approach

² World Culture Approach

مرتبط بوده است - غفلت از بازاندیشی در جایگاه چیستی و چگونگی معماری معاصر، این شکاکیت را ایجاد نمود که آیا معماری، توانایی بسترسازی حل تعارضات زبانی و بیانی متفاوت در عرصه‌های مختلف را دارد یا نه؟ چراکه در دروان پسا پست‌مدرنیسم فعلی، جهت‌گیری کلی به سمت ارائه الگوهای در تمامی سطوح، برقراری ارتباط بین عوامل مختلف دخیل در یک پدیده از طریق توجه به الگوهای ارتباطی آن‌ها را تسهیل نموده است (Farhangdoust, 2022: 108-126) و در حالی که سه مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی هنوز توان خود را در عرصه نظری و عملی توسعه کشورها از دست نداده بودند - از دهه ۸۰ میلادی به بعد - جریان‌های دیگری در توسعه پدیدار شد؛ که نظریه‌پردازی‌های جدید را در عصر پسانوسازی و جهانی‌شدن رقم زد (Ghaffari, 2011: 111-135). تأثیر گسترش مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری و شکل‌گیری بورژوازی، گذار جامعه ایران، از نظام ارباب‌رعیتی به نظام سرمایه‌داری را از مسیر معمولی تاریخی، منحرف کرد. فرآیند نوسازی و بازسازی اقتصادی در ایران، به تدریج موجب بروز شکاف‌های عمده‌ای در جامعه - از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - گردید. بدین ترتیب، ارزش‌هایی در جامعه شکل گرفت که ارزش‌های پیشین را به چالش می‌کشید (Zoheiri, 2001: 105-124). ایران با گاو و خیش، قدم به قرن بیستم گذاشت و با کارخانه‌های فولاد، یکی از بالاترین نرخ‌های تصادف را دارا گردید و در کمال ناباوری و حیرت بسیار، یک برنامه هسته‌ای از آن خارج شد (Abrahamian, 2010: 16). این تحول، رابطه انسان و پیرامونش را دست‌خوش تغییر نمود و به خروج فرد از حالت درون‌نگرانه و متکی به یک منطقه خاص، به سمت یک هویت برون‌نگرانه و فراسرزمینی، کمک کرد. تاملینسون (۱۹۹۹) یادآور می‌شود که این حرکت،

۳. رهیافت جامعه جهانی^۱؛ که بر اندیشه یک آگاهی جهانی رو به رشد و تأثیرات آن بر جامعه، حکومت و امنیت، تمرکز می‌کند؛ و نقطه مقابل رهیافت فرهنگ جهانی است (فناوری و صنعت).

۴. رهیافت سرمایه‌داری جهانی^۲؛ که نیروهای مسلط را در ساختار یک سرمایه‌داری جهان‌گرا در سه سطح ساختاری منطق داخلی نظام، توسعه تاریخی و شکل‌بندی اجتماعی، قرار می‌دهد (نظام اجتماعی).

این رهیافت‌های چهارگانه، بر هر یک از زوایای خاص مسئله جهانی‌شدن و تأثیر آن بر پدیده‌هایی چون دولت، هویت، قومیت و ملیت، تأکید می‌کنند (Ahmadi, 2002: 13-26).

با شروع عصر انقلاب صنعتی و به‌کارگیری اختراعات و ابداعات جدید، به تدریج کارخانجات و کارگاه‌های صنعتی گسترش یافتند و شیوه تولید تکنولوژیک جدیدی که متکی بر ماشین بود^۳، قدم به عرصه وجود نهاد. بدین ترتیب، سرمایه^۴ به عنوان یک عامل مهم تولید، رخ نمود و نوع جدیدی از سود که حاصل به‌کارگیری سرمایه و در جهت انباشت^۵ آن در دسترس قرار می‌داد، شناخته شد (Smith, 1378: 43). سرمایه، ماشین انتزاعی تمایلات انسانی است؛ که ساختار روابط (موقت) سرمایه‌داری - حتی اگر این موقت‌بودن بسیار طولانی باشد - از طریق کارکردهای غیرفرمیک، واقعیت پیدا می‌کنند؛ که در یک فرایند شدن، شکل‌گیری و شکل‌زدایی دائم - که وابسته به نوع روابط بیرونی انسان‌ها است - قرار می‌گیرد (Shoorcheh, 2020: 34-53). بعد از دوران مدرنیسم - که معماری شاهد ایجاد فناوری‌های نوین و تولید داده‌های گوناگون در علوم

¹ World Society Approach

² World Capitalism Approach

³ Machinism

⁴ capital

⁵ capital accumulation

فرهنگی، سیاسی، فناوری و اقتصادی باعث شده تا مسافت‌ها بی‌معنا شود. این انقلاب جهانی، فارغ از چارچوب تئوریک و ریشه‌های آن، ضمن اثرگذاری بر زندگی مردم و ایجاد فرصت‌های جدید، اشکال خاصی از درون‌وابستگی ایجاد کرده است (Ghorbani Sheikhneshtin Quoted from Alikhani, 2004: 410-412). با توجه به پیشرفت سریع و همه‌جانبه غرب، و در مقابل، ناتوانی کشورهای جهان سوم، بحث بر سر پذیرش یا عدم پذیرش ارزش‌ها و اصول بنیادین تجدد، همواره طی سده اخیر یکی از بحث‌های اساسی جامعه فکری ایران بوده است. وجود فکر تجدد، به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب، علی‌رغم ایجاد برخی تحولات سطحی، هرگز پذیرش ژرف نیافت و موجب شکل‌گیری و تکوین تغییرات و تحولات اساسی نشد (Kasrai, 2005: 7-8). واقعیت‌های انضمامی جامعه ایران در روند گذار از جامعه سنتی به مدرن و تأکید بر وجه محلی یا بومی در مقابل قطب‌بندی جهانی و فردی، و عینی و ذهنی (Habermas, 2013)، جامعه را تبدیل به جمع اعداد و یا ایستارهای افراطی نموده است؛ که در آن، اجتماع همگانی و جهانی - به هیچ وجه - یک آرمان یا ایده‌آل محسوب نمی‌شود. به عبارتی، گذار گسسته از سنت و روی‌گردانی ناخواسته و یا نادانسته از پتانسیل‌های فرهنگی، بیش‌تر تداوم جریانی را ثابت می‌کند که تقلید هزل‌آمیز از اختلاط و امتزاج^۲ سبک‌های مختلف است و جامعه را به دو قطب نوگرا و سنت‌گرا تقسیم می‌کند و پیامدهای پولاریزه‌شدن جامعه، آسیب‌پذیربودن آن را استمرار می‌بخشد و از طرفی نشر آرام و خزننده رویکرد پست‌مدرنیستی در این جامعه آسیب‌پذیر، شرایط خاصی را حکم‌فرما کرد؛ تا از یک طرف آسیب‌های سنت‌گرایی که در واقع

تنها در قالب گذار از یک نظم محلی به نظم کلان نمی‌گنجد و نه تنها فراتر از تأثیرگذاری‌های ارتباطات، حمل و نقل و تکنولوژی جدید است، بلکه به تحکیم هرچه بیش‌تر پیوند متقابل میان انسان‌ها می‌انجامد. اما هنگامی که به جهانی شدن - نه به عنوان پروسه، بلکه به عنوان پروژه‌ای که بخواهد تسلط همه‌جانبه فرهنگ غربی را در پی داشته باشد - نگاه شود، جای شک و محل تأمل است. بررسی تجربه جهانی و مقایسه آن با صنعت ایران نشان می‌دهد به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های دولتی، هم‌چنان رشد صنعتی کشور در مقایسه با کشورهای موفق دنیا، بسیار کم بوده است (Baradaran Shoraka and Safavi, 1997: 55-80). بی‌گمان ایران جهانی‌شده نیز بیش از یک ایران منزوی و عقب‌مانده، موفق خواهد بود (کاوسی و حسین‌زدگان، ۱۳۹۰: ۶۲-۳۷). چراکه صنعتی‌شدن، از اصلی‌ترین عوامل ساخت اقتصاد جهانی است و ارتباط مستقیمی با مسئله توسعه‌یافتگی داشته و رهایی از وابستگی و عقب‌ماندگی را به دنبال دارد (Azizkhani et al., 2014: 126-146) و در هنگامی که حال، آینده را تعیین می‌کند، حال تقریبی نمی‌تواند آینده را معین سازد. لذا شرایط، ناگزیر از وقوع یک فعل است:

معماری یا انقلاب!؟

از انقلاب می‌توان اجتناب کرد ... (Loos, 1998).

۲- حقیقت رادیکال، واقعیت دیالکتیکال، وضعیت پارادوکسیکال^۱

جهانی‌شدن، عالی‌ترین مرتبه مدرنیته و تجدد است (مظفری، ۱۳۷۹: ۶۷۲-۶۵۹). ایده جهانی‌شدن به عنوان یک روند اساسی در تمام زمینه‌های اجتماعی،

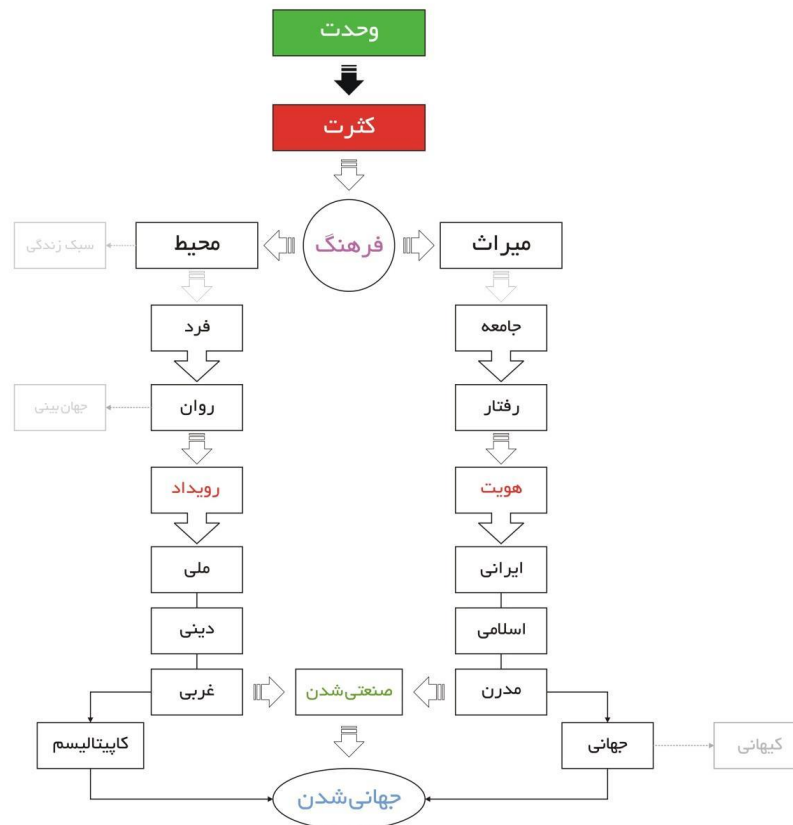
^۱ برداشت آزاد از نیچه (۱۹۰۱):

“keine Wahrheit gibt; keine absolute Beschaffenheit der Dinge, kein „Ding an sich“ giebt.”

^۲ Collage

دامن می‌زند. این لوح هستی - که مشحون از رسوبات گذشته است - در واقع پیروزی تعدد و تکثر است بر حاکمیت جابرانه و تقلیل‌دهنده اصل واحد و یکی‌بودن (Shayegan, 2017: 213). کثرت‌گرایی^۱، اساساً نقطه مقابل وحدت‌گرایی^۲ است و به معنای حمایت از تنوع ملیت‌ها در برابر تأثیرات یکنواخت‌کننده فرهنگ جهانی است (Wieviorka, 1999: 84). جامعه متکثر که به صورت تقلیل‌ناپذیری، کثرت‌گرایی و چندمرکزی است، با هستی‌شناسی هرمنوتیکی، بستگی پیدا می‌کند. از این دیدگاه، هر هرمنوتیکی فقط در هم‌سویی دیگری و در تعامل با آن است که می‌تواند به حیات توأم با تکامل خود، ادامه دهد (Rahbari, 2006: 73-98).

واکنش به افراطی‌گری عقلانیت مدرن است و از سوی دیگر، نابسامانی‌های ناشی از ورود اندیشه پسامدرنیستی و جهانی‌شدن، باورهای مشت‌ترک اعضای جامعه را به چالش بکشاند. از این رو، دگرگونی‌های مفاهیم (تکنولوژی، جهانی‌شدن، مکاتب اجتماعی نوین، ادراکات تغییر یافته، احساسات تقلیل یافته، کثرت، وحدت، یکسان‌سازی، زمینه‌گرایی، فضاهای استعلایی، بروز هم‌زمانی و انعطاف مکانی، پویایی و پیچیدگی انتزاعی، تضاد زمانی و رسانه‌ای) در پست‌مدرنیسم (Deleuze, 1993)، مجموعه عظیمی از نیروهای مادی را در بر می‌گیرد؛ که به تغییر ماهیت و کارکردهای فرهنگ (به شکل کلی) و متناظراً به فروپاشی الگوهای فرهنگ مدرن (به شکل خاص)،



نمودار ۱. مدل مفهومی مسئله توزیع فرهنگ تا جهانی‌شدن

¹ Pluralism

² monism

۳- پروبلماتیک معماری ایران معاصر در

جریان گذار

در ایران قرن بیستم، دو گفتمان مسلط سیاسی، هر یک در دوران خود در پی یکسان‌سازی هویت عمومی بوده‌اند: مدرنیسم دوران مشروطیت و عصر پهلوی، در پی تشدید هویت تک‌شالوده ایرانی مدرن برآمد. برعکس، پس از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی سنت‌گرایی اسلامی مسلط از طریق دستگاه‌های سلطه ایدئولوژیک، در پی بازسازی هویتی ایدئولوژیک بوده است. این دو گفتمان در متن دغدغه‌های عصر تجدد و در واکنش به آن، پدید آمده‌اند و به عنوان ایدئولوژی‌های سراسری، خواستار تأسیس هویتی سراسری و عمومی در سطح جامعه بوده‌اند. برعکس دوران قاجار - که به طور کلی می‌توان از آن با عنوان عصر ماقبل مدرن سخن گفت - گفتمان مسلط - یعنی گفتمان پاتریمونیالیسم^۱ - خواستار ایجاد هویتی سراسری نبود؛ بلکه خود هویت‌های پراکنده و متنوع قومی، قبیله‌ای، فرهنگی، مذهبی و محلی در استقرار گفتمان پاتریمونیالیسم سنتی^۲، نقش اساسی داشت (Bashiriyeh, 2004: 13-28). در حالی که ایران، اسلام و سنت، جزئی از میراث گذشته بودند، تجدد، سابقه چندانی در هویت ایرانی نداشت. بنابراین ایرانیان می‌بایست از یک سو به لحاظ ذهنی می‌پذیرفتند که خود، در به‌وجود آمدن این پدیده نقش مستقیم نداشتند، و از سوی دیگر، باید بر احساس از خود بیگانگی آن، غلبه می‌کردند. ایرانیان

^۱ Patrimonialism

^۲ پاتریمونیالیسم، از انواع سلطه سیاسی سنتی است که ماکس وبر عمدتاً برای کشورهای خاورمیانه مطرح ساخت. حکومت در نظام پاتریمونیال، قلمرو شخصی و خصوصی فرمانرواست؛ که در آن، توسعه دستگاه‌های نظامی و اداری، اقتدار سنتی به صورت نظام موروثی تکامل پیدا می‌کند.

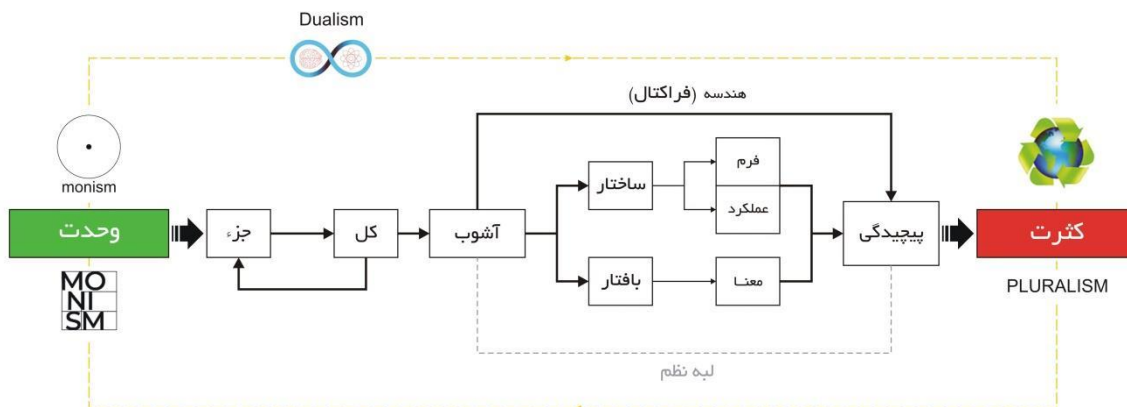
در دو سه دهه گذشته، در دستیابی به این دو مقوله موفق نبوده‌اند (Rajaei, 2016: 185-223). تا پیش از مواجهه ایرانیان با تمدن غرب، هویت ملی ترکیبی نیرومند از عناصر ایرانی و آموزه‌های شیعی بود و ایرانیان خود را با دین اسلام چنان عجین ساخته بودند که هیچ‌گاه تصور تغییر میان آن دو را به ذهن خود راه نمی‌دادند. اما با ظهور و گسترش تمدن جدید و روبه‌رو شدن ایرانیان با جاذبه‌های افسون‌گر دنیای صنعتی و شیفتگی آنان به دستاوردهای این تمدن، دوران پریشانی ایرانیان، آغاز شد (Ahmadipour, 2010: 85-105). تأثیری که اسلام بر ایران بخشید، با تأثیر تمدن‌های دیگر تفاوت اساسی دارد و آن قبول کیشی تازه است. به خصوص که اسلام مانند سایر ادیان خاورمیانه، تنها ناظر به مسائل روحانی و ارتباط میان بنده و پروردگار نبود و روابط اخلاقی و اجتماعی و مالی و قضایی و کلیه شئون زندگی را دربرمی‌گرفت. از این رو فرهنگ تازه‌ای که از زمان صفاریان و سامانیان و مقارن فتور دولت عباسی در ایران، شکفتن آغاز کرد، در محدوده آیین اسلام روی داد. توینبی (۱۹۳۵) این جامعه یا فرهنگ را جامعه ایرانی^۳ می‌خواند (Yarshater, 2016: 456). جامعه‌ای که افراد آن در کشور ایران و در میان پیروان دین اسلام، متولد شده‌اند. لذا هم ایرانی هستند و هم مسلمان! سه فرهنگ ملی، دینی و غربی؛ و این‌ها همه اضلاع فرهنگی ما است. و ما وارث و حامل آن سه فرهنگ‌ایم (Soroush, 2013: 154-185)؛ و چه بخواهیم و چه نخواهیم، مدرنیسم (Malekian, 2009: 267)؛ اما پیش از آن که مدرن باشیم، مسلمانیم (Mirbabapour and Sajedi, 2013: 93-114). در این تگنا، دو راه فرا روی جامعه سنتی قرار داشت:

^۳ Iranian Society

اگر ما از این **پلورالیسم** نتوانیم به یک **مونیسیم** دست یابیم، چرخ‌های تمدن ما، کماکان متوقف باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر، با عقلانیت مدرن و انتقادی دوران جدید، بسیاری از جزم‌ها، باورها و خرافات موجود در نظام‌های تئولوژیک فرو می‌ریزد؛ اما آن روشنایی اصیل نهفته در سنت و آگاهی حاصل از آن، خاموش نمی‌شود. به تعبیر دیگر ذوالوجه‌بودن نفس هستی و بنیاد غایی جهان، به معنای متکثربودن آن نبوده و اساساً (معرفت‌شناختی) **پلورالیسم**، جز بر پایه (هستی‌شناختی) **مونیسیم** قابل فهم نیست. چراکه قائل شدن به وجوه فهم‌های کثیر، صرفاً در پرتو وجود متعلق واحد معنادار خواهد شد. آنچه هسته اصلی ادعای پلورالیسم معرفت‌شناختی را تشکیل می‌دهد، فهم‌های کثیر از واقعیتی واحد است. فهم ما ممکن است پاره پاره، چهل تکه یا متکثر باشد، اما **واقعیت** را در یک کلیت، **تمامیت** و **وحدت** می‌یابد. لذا قائل شدن به وجود نوعی **وحدت هستی** و **مونیسیم** اونتولوژیک، افق نهایی دیگری است؛ که از آن، گریزی نیست (Abdolkarimi, 2017).

۱. رفتن به سوی جامعه‌ای مدنی که در آن **اصالت** با **مدنیت** و **مبتنی** با هم‌زیستی و هم‌زبانی است و دین، اخلاق و ایدئولوژی به صورت مسئله‌ای شخصی درمی‌آید.
۲. رفتن به سوی جامعه‌ای مکتبی که در آن **اصالت** با **مکتب** و **مبتنی** بر هم‌فکری و هم‌دلی است و هنجارهای اجتماعی با مرجعیت مکتب تعیین یافته و تغییرناپذیرند (Hojjat, 2014: 13-14).

این امر نشان می‌دهد چگونه رویکردهای کثرت‌گرایانه، مفاهیم خود را گسترش داده، منجر به بروز **هنجار** در حوزه‌های خود می‌شوند. هم‌چنین چگونه کثرت‌گرایی می‌تواند بر تنوع ساختار **وحدت**، برتری یابد و در نهایت، به تجدیدنظر در راه‌های شناسایی و تفسیر بالقوه میراث گذشته بپردازد. نگاه وحدانی به زیبایی‌شناسی فرهنگ ایرانی در چارچوب دنیای تکه‌تکه‌شده^۱، تفاوت و پیچیدگی‌های کثرت را تبدیل به وحدتی می‌کند که نهایت آن، درک کمال خالق است (Ardalan and Diba, 1999: 7-13).



نمودار ۲. چرخه هرمنوتیک حرکت وحدت به کثرت^۲

^۲ **دوئالیسم** یا **دوگانه‌انگاری**، نوعی نگرش فکری است که مفاهیم را با کنار هم گذاشتن معانی مکمل و متضاد (اعم از فرهنگی، فلسفی یا طبیعی)، در رابطه‌ای ثابت یا متغیر، تعبیر می‌کند و به عنوان مکانیزمی برای دریافت حسی و تشریح عملکرد جهان، به کار می‌برد (Wendrich, 2008).

^۱ puzzling world

در شرایط گذر از جهانی به جهان دیگر، چیزهایی از جهان پیشین هنوز در کنار ما وجود دارد و چیزهای تازه‌ای هم از جهان جدید به آن افزوده شده است. این اجزا و عناصر سنتی و مدرن، نسبت به هم پارادوکسیکال نیستند؛ بلکه با یکدیگر متضاد هستند؛ اما متناقض، نه! مجموع این‌ها در واقع **شرایط جامعه در حال گذار** را ساخته است (Shayegan, 2017: 162-273)؛ و از آن‌جا که **زمان**، وظیفه **تأسیس جهان** را عهده‌دار است، بنابراین **منشاء شناخت** ما به معرفت از **محیط و زمان** بسته‌گی دارد (Rasekh, 2016: 5-23). اما هرگز نمی‌تواند به طور کامل، به امر مادی تنزل یابد (Fornas, 1995: 18) و در این **هنجار نوین**، تنها **تفسیر وضعیت ما همان موقعیت ما** است. زیرا هستی در خارج از **رخداد** خود، وجود ندارد؛ رخدادی که تنها در طی **تاریخ‌شدنی مضاعف**، محقق می‌شود: **تاریخ‌شدن خود آن**؛ و **تاریخ‌شدن خود ما**. در چنین چارچوبی، **پست‌مدرن** نسبت به مدرن، چیزی جدید نیست. بلکه در حکم نابودی نفس **مفهوم جدید** است. حتی می‌توان مدعی شد که **پست‌مدرن**، به معنای **تجربه پایان تاریخ است** (Shayegan, 2017: 274). این وجه از منشور وجودی، از آن روی که بیش‌تر جنبه جهانی دارد، بیش‌تر روشن است؛ و بیش‌تر بدان پرداخته شده است. اما آن‌چه مسلم است، **شکوفایی نبوغ ایرانی در درون یک تمدن بزرگ جهانی** است؛ که در طول قرون وسطا، درخشان‌ترین و عظیم‌ترین و متنوع‌ترین تمدن بشری بوده است و کانون اصلی اندیشه و علم و هنر و عرفان و اخلاق در جهان، به شمار می‌رود (Shariati, 2015: 227-229). چراکه **جامعه بسته** با حرکتی بطنی و رویدادهای موجود، نیاز به **تشخیص هویت** ندارند و در شرایطی که انسان - نه به مثابه فرد، بلکه عضوی از یک جامعه و با وابستگی‌های ایلی و عشیره‌ای - روزگار سپری می‌کند، این شیوه زندگی و خون و

نهضت مدرن با اطمینان و قاطعیت پیش می‌رفت و نوعی وحدت رفتاری را نیز به هم‌راه داشت. حال آن‌که با سپری شدن بخشی از تاریخ، ریشه‌های این اطمینان متزلزل شد. **اصل عدم قطعیت**، در مقابل دژهای عقلانی محکم و استوار گذشته، جای خود را باز کرد و لایه‌های مرئی و نامرئی، نوعی **انطباق^۱** را تشکیل داد؛ که هر کدام از این لایه‌ها، مطلبی متفاوت از دیگری دارد و لزوماً به ترتیب و وحدت نمی‌انجامد. بحث **تضاد^۲** کاملاً کم‌رنگ گردید؛ به رغم آن‌که **پیچیدگی^۳**، مقام والای خود را نشان می‌دهد. این پیچیدگی که روزگاری در مدرنیسم ارزش منفی به حساب می‌آمد، امروزه در پرده اول هر برخورد، در حرکت است و زمانی هموار می‌شود که تبدیل به **کثرت^۴** گردد؛ که خود در تحول جوامع بشری، نوعی **ظرفیت^۵** دریافت است و دیگر قواعد خشک و جزم نمی‌توانند خود را به آن تحمیل کنند. پیچیدگی و کثرت، ویژگی‌های نوع ارتباط علمی و فرهنگ جهان امروزند؛ که گفتگوی تمدن‌ها هم بخشی از آن است (Ardalan and Diba, 1999: 7-13). ماهیت تمامی ابداعات و پیشرفت‌ها - نظیر ماهیت پیچیدگی‌های اجتماعی و سازمانی - مستلزم عوامل چندگانه و متعدد انسانی و تکنولوژیک هستند؛ که با نتایج غیرقابل پیش‌بینی آتی، ترکیب و همراه می‌شوند (Abel, 2008: 119). آن وحدت ساده و آشکار حاصل از پیونددهنده حاکم یا نظم عوامل اصلی، تکرار در ترکیب‌های ساده‌تر و با تضاد کمتر نیست. بلکه نتیجه نظم پیچیده و موهوم در یک **کل مشکل** است. ترکیبی است درست؛ که شامل روابط هماهنگ، ترکیبات مساوی، قطعات انعطاف‌یافته و دوگانگی‌های مشخص است (Venturi, 2010: 116).

¹ superposition

² contradiction

³ complexity

⁴ pluralism

⁵ tolerance

۲. مرحله سکون و رکود هویت ایرانی در قرن نخستین اسلامی.
۳. مرحله تجدید حیات هویت فرهنگی ایران در عهد حکومت‌های محلی ایرانی در قرن‌های سوم تا پنجم هجری.
۴. مرحله پیچیده عصر سلاجقه با گسترش زبان فارسی به منزله زبان دیوانی از یک‌سو و اندیشه امپراطوری فراگیر اسلامی در برابر احساسات قومی ملیت‌ها از سوی دیگر.
۵. مرحله احیای هویت ایرانی در عهد مغول و تیموریان.
۶. مرحله احیای هویت ایرانی - شیعی در عصر صفوی.
۷. مرحله بازسازی هویت ملی ایرانی؛ در دو قرن اخیر (Ashraf, 2016: 45-46).

روبارویی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و مدرن، به سبب پیشرفت تکنولوژی و تعاملات جهانی، زمینه را برای پلورالیسم فرهنگی ایجاد نمود. در حالی که یکسان‌سازی فرهنگی^۱ - و یا به تعبیری مونوپولیسم^۲ آمیخته با قدرت - هژمونی فرهنگی است که از آن با عنوان امپریالیسم فرهنگی^۳ یاد می‌شود؛ و به عنوان یک مسئله^۴، روی دیگر تکرار فرهنگی است. حال آن‌که هژمونی غالب امروز ایران معاصر، ایدئولوژی^۵ است؛ و با توجه به درهم‌آمیختگی حوزه‌های فرهنگی - که ناشی از انتخاب کنش‌گری است - قضاوت نمی‌کند. بلکه می‌خواهد در مواجهه با کثرت فرهنگ‌های متکثر، انتخاب کند، و زمانی که قضاوت می‌کند، هر کنشی را حق خود می‌داند؛ حال آن‌که همه خوانش‌های تکثرگرا، در درون خود

تبارش است که هویت وی را تعیین می‌کند. ولی زمانی که متوجه شد همه چیز در حال تغییر است و هر آن‌چه سخت و استوار بود در حال دودشدن و به هوا رفتن، مسئله هویت به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان امروزی تبدیل می‌شود (Pakzad, 2004: 94-103). انسان جهان‌شمولی که در جستجوی هویت و وحدت جهان خویش بوده است (Ardalan and Diba, 1999: 7-13) و با تعیین هویت خود، سعی در درک وضعیت و موقعیت خود دارد! لذا هویت ایرانیان دارای دو جنبه هویت ایرانی - با تأکید بر گذشته درخش‌ان تاریخی آنان - و هویت اسلامی - با تأکید بر جنبه مذهبی بودن آنان بعد از اسلام - است؛ که هرچند این دو عنصر از نظر تاریخی با هم اختلاف دارند، اما از نظر محتوایی، در پیوستگی با هم هستند (Geravand and Parvaneh, 2017: 144-161). سه‌روش (۱۳۹۲) با توصیف این مقطع از تاریخ ایران، بین فرهنگ ایرانی و اسلامی تمایز قائل شده و می‌نویسد:

ایرانیان در برخورد با اعراب، نخستین قومی بودند که معادله «عرب، یعنی اسلام» را شکستند و با این‌که اسلام را پذیرفتند، دست رد به سینه عربیت زدند و پس از این‌که اسلام آوردند، باز هم ایرانی ماندند.

بر این اساس، مراحل بازسازی و تحول هویت - ایرانی از دوران ساسانی تا عصر حاضر در هفت دوره مشخص خلاصه می‌گردد:

۱. مرحله بنیادین بازسازی هویت ایرانی به منزله نوعی هویت ملی پیشامدرن در عصر ساسانی؛ که از گونه‌ای حس ناسیونالیسم قومی باستانی برخوردار بود و از نوع هویت‌های پیش از عصر جدید است.

¹ Cultural Assimilation

² Monopolism

³ Cultural Imperialism

⁴ Problem

⁵ ideology

۴- جهانی‌شدن یا سنتی‌ماندن؟ مسئله این

است!

انسان امروز - خود - به صورت مسئله‌ای برای خویش درآمده است؛ که بر تشویش او می‌افزاید؛ و به تعبیر مارسل (۱۹۵۵)، دیگر نمی‌تواند به راحتی تصویر خود را در آئینه درون، بازشناسد. بشر معاصر، ناگزیر از **کثرت‌گرایی** است (برلین، ۱۳۹۳: ۹۸)؛ و پیچیدگی، زبان **کثرت** است بر لبه **آشوب**؛ و کثرت، نشانه‌ای از آشوب می‌آورد و خود، نمادی از پیچیدگی است؛ ولی پس از آن، **وحدت**، در ترکیب با کثرت، به یک **بی‌نظمی** کنترل‌شده توسط **نظم** دست می‌یابد؛ که در معماری گذشته و گذشته معماری، وجود داشته است. در واقع، پیچیدگی، برخلاف آن‌چه که در علوم غربی، مطرح می‌شود و بی‌نظمی را در مقابل نظم، قرار می‌دهد - در فلسفه شرقی، همواره از در کنار هم قرارگیری عوامل متضاد و در هم‌نشینی این جمع اعداد پدید می‌آید. **نظمی** پنهان در دل یک بی‌نظمی؛ که سازمان‌دهنده آن است (Ahmadi, 2015).

ارائه سه نقطه نظر کلیدی **مردم‌واری**^۲، **حالت‌گرایی**^۳، **کثرت‌گرایی**^۴ توسط هردر^۵ (در جنبش برلین)، منجر به شکل‌گیری **فرهنگ مدرن** گردید (Abel, 2008: 72-73). **موج تجدیدگرایی** به نوعی غرب‌گرایی افراطی، موجب دگرگونی برخی از معیارها و ارزش‌های اجتماعی و هنری گردید (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶)؛ که **جریان روشنفکری** در دوره جدید تاریخ را به کلی **منقطع** از سنت **عقل‌گرایی** موجود در بطن تاریخ اندیشه ما کرد و آن را - بیش‌تر - **آبشخور** فرهنگ و فلسفی تقلیدی از آرا و اندیشه‌های متفکران عصر روشنائی غرب، **سکولاریسم** و **نهیض رمانتیسم** - آن هم از نوع سطحی فرانسوی و نه از

یک گرایش جدی **وحدت‌گرا** دارند (Esmaeili and Sharifi, 2019: 4-9). بدین تعبیر، آن‌چه در ایران تحت عنوان **تهاجم فرهنگی** مورد تأکید قرار می‌گیرد، در واقع **تبادل فرهنگی** است؛ که ایرانی را با هویت‌های متفاوت، آشنا می‌کند (Adib, 2000: 140-141). نگاه ما به کشف مفاهیم فرهنگی و انس با ریشه‌ها و معانی آن در سیر تطور تاریخی، به بازشناخت ریشه‌های هر جامعه کمک می‌کند. از این رو **سنت** و **ارتجاع**، دارای یک مفهوم نیست: **ارتجاع**، یعنی همانند گذشته زندگی کردن و **مردن** و **به روز** زندگی کردن، بدون کوچک‌ترین توجه به گذشته؛ اما **سنت**، یعنی به‌روز زندگی کردن با توجه به گذشته و بر اساس شناسایی مجموعه روابط و ضوابط آن (Hojjat, 2014: 332-333). اگر جامعه را به انسانی تشبیه کنیم، سیاست، اراده آن و فرهنگ، قوه تفکر و اقتصاد، جوارح آن جامعه است. اراده - با فکر - خواست خود را پیش می‌برد و فکر برای اجرای منویات خود، امکانات مادی را به کار می‌گیرد و به مثابه رسانه‌ای میان اراده و عمل، میان در مقابل نظام تفکر جهانی، صف‌آرایی می‌کند. فرهنگ در جامعه، همین نقش را بر عهده دارد (Zahed et al., 2013: 55-76). امروزه روشن شده است که تعاریف مرکب از کنار هم قراردادن اجزایی منفعل، نمی‌تواند گوید ای واقعیت فرهنگ بوده و تولیدات تکرارشونده از یک عمل اجتماعی، توجیه نظری در مورد ذات اساسی فرهنگ ارائه نمی‌دهد. حال آن‌که **اصل پیوستگی**^۱، عامل اتحادبخش و گوهر بنیادین فرهنگ را تشکیل داده و به‌عنوان محور تعریف آن، به کار آمده است (Eyvazi, 2008: 5-25).

در واقع، ما همه انسان بودیم؛ تا این‌که: نه‌نژاد، ارتباط مان را برید؛ مذهب، جدای‌مان ساخت؛ سیاست، بین‌مان دیوار کشید؛ و ثروت؛ از ما طبقه ساخت (Russell, 1959).

² Populism

³ expressionism

⁴ Pluralism

⁵ Johann Gottfried Herder

¹ Coherence

لرزان تر شد و به رغم همه سخت گیری ها و تمهیدهایی که برای نگاهبانی از بنیان فرهنگ موجود به کار رفت، عاقبت فرو ریخت؛ تا بر ویرانه های آن بنایی تازه بنیاد نهاده شود. (Khatami, 2001: 203) پیامدهای شتاب جامعه سنتی به سمت مدرنیته و افزون بر آن تأثیرات رویکرد پست مدرنیستی بر جامعه موجود و شتاب و تنوع تغییراتی که جامعه در حال گذار ایران تجربه می کند و تحولات ساختاری و نهادی ملازم با آن ابعاد پیچیده و مهمی به مسائل ایران بخشیده است، از طرفی گذار جامعه امروز به سوی مدرنیته و تغییرات ساختاری بدون فهم انگاره های فکری عاملیت سنتی و یا به عبارتی عدم هم سازی بخشی از جامعه ایران با فرایند مدرنیزاسیون که آسیب های فراوانی را به وجود آورده و از سوی دیگر نظاره گر اشاعه افکاری پست مدرنیستی و به عبارتی تئوری نفی فرا روایت هایی است که ذهن ایرانی را بین سه رویکرد سنت گرایی، مدرنیسم (که در نیمه راه تجدید به سر می برد) و رویکرد پسا مدرنیستی، گرفتار کرده و نوعی افکار التقاطی و سیال غیرقابل اتکاء، در ذهن اعضای جدید جامعه به وجود آورده و جامعه را در نوعی بی هنجاری، دچار بحران هویت نموده است. این نشانه ها که ما با آن مواجهیم، قرائنی از ابهام و دوپهلویی واقعیتی است که روشن گر جنبه نمادین و دو پهلوی غرب، به مثابه پایان و آغاز دوباره است: پویایی و تکنیک زدگی، خلأ فقر وجود و تجلی آیین عرفانی فرقه های گوناگون، تحمیق همگانی و دگرزدایی جدید و مجازی سازی، افسون زدایی و افسون زدگی! ما به عصر «پست» نام نهاده ایم (Shayegan, 2017: 23). خلاصه و نتیجه این که، ما حاصل و وارث سه فرهنگ ایم؛ که این هر سه محتاج شست و شو و بازنگری اند. از این روی، به نظر می رسد دوران سه فرهنگ ملی، دینی و مدرن، به نقطه عطف خود - دوره پست مدرن - رسیده باشد و زمان آن رسیده است تا فرهنگ

نوع رمانتیسم عمیق آلمانی - نمود. در اواخر تقلید از ایدئولوژی های قرن نوزدهمی اروپا (هم چون نهضت سوسیالیسم و مارکسیسم)، آنچه در جامعه ما شروع به جوانه زدن کرده است، با آنچه در غرب تحقق و واقعیت یافته بود، بسیار فاصله دارد. اما سخن آن است که این گروه جدید روشنفکران در دهه اخیر، گامی بلند و اساسی در راستای فروریختن همه برج و باروهای سبتر خردستیزی و خردگریزی برداشته اند. این خردگرایی، به معنای مخالفت با تمامی بت های ذهنی و مبارزه با همه عواملی است که اندیشه را از اندیشیدن بزمی دارد (Abdolkarimi, 1992: 11-17). با این تغییرات عمده، یک دوران حیرانی برای ایرانی آغاز می شود که طی آن، ایرانی درست نمی داند که جایگاه جدیدش کجا است و چه سامان و آینده ای را باید پیش بگیرد (Eslami Nadoushan, 2000: 50-55). دیر زمانی است که آن فرهنگ و رمز و راز، آن کارآمدی خویش را از کف داده و آن تمدن هزارساله، سر بر خاک نهاده و عمارت های رنگارنگ، هر یک به عشوهای سر از خاک برآورده اند و حکمت کثرت، بر کثرت حکمت برتری یافته است. در این رویارویی، انسان شریعت مدار شرقی مقهور شریعت انسان مدار غربی شد و هر آنچه داشت از سنت ها و باورها و رفتارها و گفتارها، در آزمایشگاه شناخت علمی غرب، با محک و معیار غرب به سنجش گری نهاد. انسان غربی که - به تازگی - دیانت را به کناری نهاد، نیازی به دین شرقی نداشت. ولی همتای شرقی، نیازمند علم و صنعت او بود و شرط این بهره مندی، گذشتن از سنت ها و باورها! و چنین بود پایان کار جامعه سنتی! جامعه ای که انسان در آن غرق حکمت و ایمان بود و بی خبر و بی نیاز از آنچه که در دیگر سوی جهان می گذشت، سر در کار خویش داشت (Hojjat, 2014: 13). بنیاد مدنیت و فرهنگ قرون وسطای غرب با طوفانی که در نوزلیش و اصلاح گری دینی بالا گرفت، لرزید و لحظه به لحظه

۱. **صورت‌بندی مسئله:** این که چه مسئله‌ای را باید حل کرد و به چه مسئله‌ای باید پرداخته شود؟
۲. **تدوین فرضیه:** این که محقق، چه فرضیه‌ای را برای شروع تحقیق مد نظر قرار داده است؟
۳. **نقد منابع و اسناد:** محقق قبل از پرداختن به تحقیق ناگزیر از نقد و بررسی منابع و اسناد است.
۴. **توصیف تاریخی:** در مقام توصیف این که این پدیده تاریخی یا دیدگاه مورد مطالعه، در چه زمان، در چه مکان، در چه موقعیت، چگونه، به وسیله چه کسی و به چه صورت، ظهور یافته است؟
۵. **تبیین تاریخی:** بیان علل وقوع حادثه یا تطور آن در پرتو تبیین وضعیت رخداد تاریخی (Hafeznia, 2021: 56-57).

این پژوهش، به دنبال بازنمایی هدفمند وقایع تاریخی، در گردآوری اطلاعات، از مطالعات کتابخانه‌ای (منابع اسنادی و استنادی)، استفاده کرده است. تحقیق تحلیل توصیفی، جامعه، شرایط و پدیده‌ها را به طور صحیح و سیستماتیک، توصیف و با شناخت بیشتر و بهتر از شرایط موجود، فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را تسهیل می‌نماید. در مطالعات توصیفی - تحلیلی، پژوهش‌گر برای تبیین و توجیه دلایل، به شیوه منطقی جزئیات مربوط به مسئله تحقیق خود را با گزاره‌های کلی، ارتباط می‌دهد و به نتیجه‌گیری می‌پردازد. این استدلال از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌گردد (Flick, 2022: 149-176).

۶- روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها

این پژوهش، از مطالعات کتابخانه‌ای (منابع اسنادی و استنادی) و روش میدانی (مشاهده، مصاحبه

ایرانی، اسلامی و غربی - در بازگشتی تاریخی به تاریخ گذشته خویش - گامی به سوی فرهنگ جهانی بردارد. چراکه بازگشت به گذشته، راهی برای پیش‌روی به آینده است (Berman, 1983):

۵- روش‌شناسی تحقیق

در دهه‌های اخیر، برخلاف سنت‌های رایج دانشگاهی که آموزش معماری را فقط مبتنی بر تجربه و تمرین طراحی می‌دانستند، نیاز به پژوهش در زمینه‌های نظری و برقراری پیوند دیدگاه‌های نظری با شیوه‌های تجربی، بیش از پیش آشکار شده است. تحولات ایجاد شده در آموزش معماری، گسترش علوم مرتبط با معماری و نیاز طراحی به مبانی برگرفته از تحقیق روش‌مند، از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد این نیاز است (Einifar; Preface of the translator,) (Groat, Linda N and Wang, 2015: nine). در این راستا و با بازشناسی تفاوت‌های اساسی میان نقش کلی مفاهیم، در تحلیلی توصیفی بر مبنای هدف اصلی پژوهش، ظرفیت‌های تاریخ معماری خصوصاً در حوزه معانی انتزاعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی است که به شیوه تحلیل تاریخی انجام شده است. تحقیق تاریخی، از آن دست تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده، صورت می‌گیرد. از آن جا که در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به وقوع پیوسته و ابزاری تکمیل گشته است، بنابراین تلاش محقق در روش تاریخی بر آن است تا حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این داده‌ها، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینی، ارائه و نتایج پژوهشی قابل ارائه و دفاع، در راستای فرضیه تحقیق، استنتاج نماید (Naderi and Seif Naraghi, 2020: 66). مطالعه تاریخی سه گام مقدماتی و دو گام اساسی دارد:

(کدگذاری متمرکز^۳)؛ که نیازمند تصمیماتی درباره آن است که کدام کدها، تحلیلی‌ترین منطق را برای طبقه‌بندی جامع و مانع، فراهم می‌کنند (Charmaz, 2006: 58).

**جدول ۱. مقیاس فراوانی نظام‌بنیاد
(۵ کد نخست کدگذاری باز کدهای محوری)
در نسبت فراوانی کدهای انتخابی**

کد انتخابی	متغیر کلیدی	درصد فراوانی
جهانی‌شدن	فرهنگ جهانی	۱۹
	صنعت	۲۲
	سرمایه	۶
	تکنولوژی	۱۶
	رقابت	۳

۷- بحث و نتیجه‌گیری

جهان هر کس، جهان اوست. هر کس همواره و به نحو اجتناب‌ناپذیری بر اساس مجموعه‌کثیری از ارزش‌ها، باورها، مفروضات پیشین، مواضع و جهت‌گیری‌ها، با پدیدارها مواجه می‌شود و پدیداری به نام پست‌مدرنیسم نیز از این اصل انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هرمنوتیکی جدا نیست. بنابراین، چنین نیست که بحث از پست‌مدرنیسم در ایران و پرسش و پاسخ پیرامون آن، مثل هر بحث و موضوع دیگری، یک بحث نظری محض باشد. بلکه هم طرح پرسش و هم معنای پرسش و هم پاسخ بدان، بستگی به این دارد که ما چه نسبتی با شرایط، موقعیت و جهان پیرامونی خویش داریم. به بیان ساده‌تر، بسته به نسبتی که انسان با عالم غرب، عصر روشنگری، مدرنیته، سنت، تفکر دینی، جهان‌بینی و ارزش‌های معنوی این عصر دارد، و این‌که از چه موضع و مفروضات فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک یا پروژه

و پرسشنامه)، در گردآوری اطلاعات، استفاده کرده است. در این تحقیق، به منظور تسهیل در امر کدنویسی و فرایند تحلیل، از نرم‌افزار تحقیقات کیفی MaxQDA نسخه 2020، بهره‌گیری شده است. داده‌های تحقیق، به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ با اساتید و متخصصین معماری - که هم به صورت آکادمیک و هم به صورت حرفه‌ای مشغول به فعالیت هستند - گردآوری و در مصاحبه ۱۷ ام، اشباع نسبی در بالاترین سطح اشباع، حاصل شد. محتوای فایل‌های مصاحبه در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی)، استخراج و بعد از مرحله پالایش، کدها با یکدیگر ادغام و در نهایت در طبقه‌بندی‌های معنادار، دسته‌بندی گردید. سه مرحله کدگذاری در قالب جداول نظام‌یافته گزارش و مقدار فراوانی متناظر با هر یک از کدها، ارزیابی، محاسبه و ارائه شد. میزان فراوانی گویه‌های کدگذاری‌شده تعداد ۵۹۶۹ کد از نسبت فراوانی ۱۳۳۷ کد، پس از پالایش و ادغام، به ۸۵۰ کد تقلیل یافت. با توجه به هدف ویژه پژوهش - که ریشه‌یابی مسئله عقب‌ماندگی معماری معاصر ایران از معماری جهانی و فرایند جهانی‌شدن بوده است - کدهای به دست آمده، در تعداد ۶۵ مقوله و ۱۶ طبقه، با طبقه محوری جهانی‌شدن، مرتبط گردید. این سه نوع کدگذاری، سطوح مختلف کدگذاری را نشان می‌دهند و هر یک به نکته متمایزی در بیان مقوله‌ها در نظریه‌پردازی داده بنیاد می‌پردازد. در واقع - و به بیانی دیگر که چارمز معتقد است - در فرایند کدگذاری، ابتدا پژوهش‌گر با ذهنی باز، انبوهی از ایده‌های خود را درباره داده‌های موجود، بیان می‌کند؛ که این کار (کدگذاری اولیه^۲)، نخستین گام در منطقی‌کردن و انتزاعی‌کردن داده‌های خام، به شمار می‌رود. سپس، با تأکید بیشتر بر کدهای مشترک، از ترکیب کدهای اولیه، کدهای جدیدی به دست می‌آید

¹ semi-structured interview

² Invivo Coding

³ Initial Coding

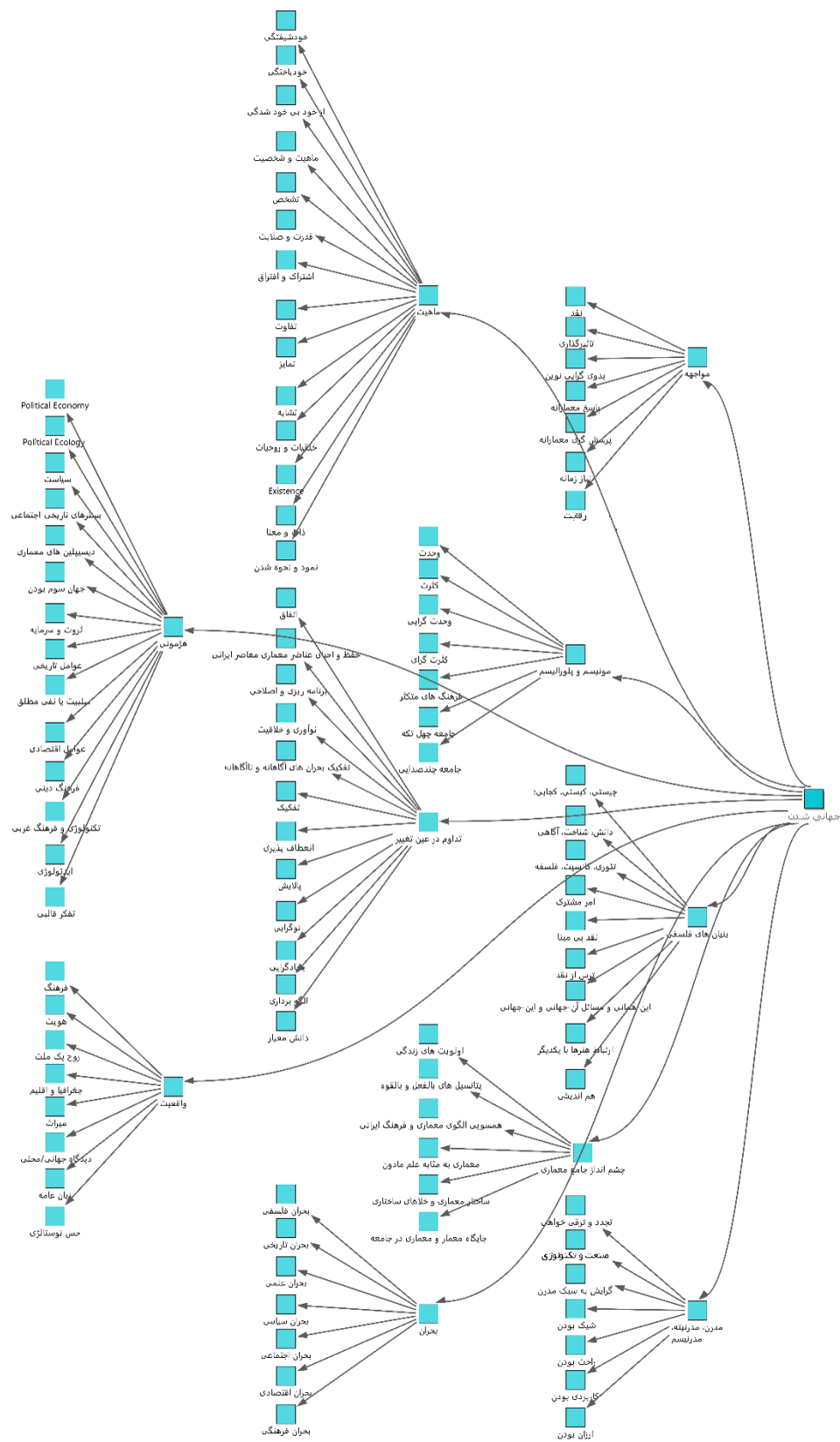
اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی و فلسفی، به چالش کشیده و به سبک زندگی قالب دوره معاصر مبدل شده است. از این رو، تفکر مدرن (مدرنیته)، تفکر پست‌مدرن (پست‌مدرنیته) و شناخت و آگاهی از بنیان‌های فلسفی، لازمه موفقیت در معماری معاصر ایران است. البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که تحقق این امور، بدون بازشناسی مفاهیم و مضامین معماری گذشته ایران و تعریف معیار استفاده بهینه از فرهنگ و تکنولوژی غربی، و بازآموزی مؤلفه‌های تأثیرگذار تاریخی - اجتماعی و سیاسی مقطع معاصر، میسر نخواهد بود. حال آن که مسیر رسیدن به گفتمان تاریخی هویت در معماری معاصر ایران، مستلزم دقت، توجه و عنایت به این تدابیر و راهبردها است. بنابراین، در پاسخ به این سؤال پژوهش که ریشه مسئله عقب‌ماندگی معماری معاصر ایران از معماری جهانی و فرایند جهانی‌شدن کجاست؟ اذعان می‌گردد **جهانی‌شدن** یا سنتی‌ماندن، نتیجه میدان چالش سنت و تجدد در بستر فرهنگ جهانی است؛ که دستیابی به آن، متأثر از **صنعت، سرمایه، تکنولوژی و رقابت** می‌باشد. به عبارت دیگر، **جهانی‌شدن، چگونگی بودن و چگونه‌بودن در فرهنگ جهانی** است؛ از این رو، می‌توان آن را نقطه عطف گذار از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم تلقی نمود. لذا در پاسخ به این پرسش که ریشه مسئله عقب‌ماندگی معماری معاصر ایران از معماری جهانی و فرایند جهانی‌شدن کجاست؟ چنین به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از ناکامی‌ها در فهم شرایط موجود معماری، در توانایی شناخت گفتمان تاریخی میان هویت‌های پیشین و هویت معاصر نهفته است.

کلیدواژگان جهانی‌شدن: فرهنگ جهانی، صنعت، سرمایه، تکنولوژی، رقابت.

اجتماعی برخوردار است، نحوه مواجهه با پرسش مذکور و پاسخ‌بدان متفاوت خواهد بود (Abdolkarimi, 2016). پست‌مدرنیسم، وجه غالب باور فرهنگی زمانه است که تمامی فعالیت‌های هنری و فکری را - دوباره - قالب‌ریزی می‌کند و حاوی انگاره‌های متمایزی از تجربه و شرایط در عمیق‌ترین سطوح یا تمامی آن چیزی است که می‌توان درباره جهان معاصر دانست (Jameson, 2000). دنیای امروزی، به واسطه رسوخ وسایل ارتباطی نوین، هویت محول و معین خود را دائماً در حال تغییر معیار، تحول و بحران می‌بیند. دیدگاه جهانی در مورد تغییر ماهیت معماری مدرن، بینش‌های اساسی را در مورد موضوعاتی از قبیل تأثیر فناوری اطلاعات بر تولید معماری سفارشی مبتنی بر روابط میان سنت و نوآوری، ارائه می‌کند. چشم‌اندازی از یک اکو فرهنگ جهانی و نیروهای محلی - که معماری را شکل می‌دهد - به جای کنترل مصرف‌کننده، سیستم مصرف را با آن منطبق می‌نماید.

تاریخ معماری ایران نیز تاریخ تسلط تمدن جدید غرب است بر فرهنگ کهن ایران. خواه آن را سازنده بنامیم، خواه ویران‌گر؛ این دوران افسون‌زدایی جدید، آن‌چه را که برای انسان ایرانی به ارمغان آورده، ضرورت خودشناسی تاریخی است. این خودشناسی، معلول نفوذ غربی‌ها و رواج راه و رسم جدید آن‌ها در خوانش التقاطی یا ظهور اشکال دورگه و تدوین تاریخ معماری معاصر، با پدیده جهش‌های فرهنگی و در پی تداخل جهان‌های نامتجانس همراه بود (BaniMas'ud, 2015). تا آن‌جا که قدرت متمرکز، جای خود را به کثرت گسسته داده است (Jencks, 1996).

با تکیه بر یافته‌ها و نتایج حاصل، به نظر می‌رسد که جریان مدرنیسم در بستر حاکم پست‌مدرنیسم، وضعیت موجود را با ایجاد بحران‌های فرهنگی،



نمودار ۳. نمودار درختی عناصر و مؤلفه‌های جهانی‌شدن

۸- سخن پایانی ...

حاکمیت ترس در تمام طول تاریخ به علت بافت‌تار تاریخی و جغرافیایی دوهزار و پانصد ساله، تنها چیزی است که منش ما شده است؛ قبل از هر چیز ترس است و اگر ترس علت مادی نداشته باشد، سایه ترس بر رفتار ما بارز است و این ترس در تمام زمینه‌های فکری و فلسفی، از شعر رودکی و حافظ تا معماری تخت جمشید تا عالی قاپو و مسجدشاه و بالاخره در دانه دانه خانه‌های شهری یا روستایی ما؛ به همین جهت امن‌ترین خانه‌ها سیاه‌چادرها یا کپه‌های ما است؛ که ترس کم‌تری در آن حکم‌فرما است. چون همین که مورد حمله قرار می‌گیرند، صاحبان این دو آشیانه یا لانه، سراپرده خود را کنده و راه هجرت و کوچ‌روی در پیش می‌گیرند. از این مسیر یعنی از مسیر ترس یا سایه آن به بحث دومی می‌رسیم و آن تاریخ ایران است. این تاریخ، یک طرفش شکوه است و یک طرفش هیولایی است که ما را از خود دور نگه داشته و با نگاه بدان، ما دچار وحشت می‌شویم. البته این موضوع اخیر را از روش دیالکتیک می‌توان دریافت (Keivan, Mahdi; 10 Des. 2019, personal interview). ما در دوره‌ای از کشمکش و شکست‌های نهادی عظیم، زمانه پایان‌های دردناک و شروع‌های امیدوار زندگی می‌کنیم. زمانه‌ای است که گویی چیزی ژرف در حال تغییر یا مرگ است در حالی که چیز دیگری می‌خواهد زاده شود. امروزه، بسیاری چیزها حاکی از آن است که جهان در حال طی یک دوران گذار است؛ هنگامی که به نظر می‌رسد چیزی در حال از بین رفتن است و چیز دیگری به شیوه دردناکی زاده می‌شود. گویی چیزی در حال فرو ریختن، انحطاط و از پا درآوردن خویش است؛ در حالی که چیز دیگری - که هنوز نامشخص است - از آوار بر می‌خیزد (Dorostkar, 2021: 42-52). حال آن‌که ما عموماً شناخت دقیقی از پیشینه و امروز خود نداریم. لاجرم به پیروی و تقلید از پیشاهنگان این عرصه، آن‌چه خلق می‌کنیم برای مقلدان هم تازگی دارد. چراکه تاریخ

ایران هیچ‌گاه گذشته را چراغ راه آینده ننموده و آینده آن نیز در تداوم حال نبوده است؛ و ایران و ایرانی، همواره در بلا تکلیفی میان افراط و تفریط و اصرار به التقاط و تقلید، در یک موضع‌گیری نابخردانه، به انکار واقعیت هویت خود پرداخته است. اگرچه این نیروی واپس‌رانده یاغی و ویرانی ساختارهای محکم باورها و ایدئولوژی‌ها، بینشی شهرفرنگ‌وار از جهان پدید آورده، باز هم نمی‌توان منکر آن شد که پدیده‌های مقارن، در عین آفرینش جهانی رنگارنگ و فریبنده، ما را ذره‌ای از قید محسوسات رها کند. ما ناامیدانه در سطح امور، معلق مانده‌ایم؛ بی آن‌که قادر باشیم از آستانه چرخش و دگرگونی ارزش‌ها عبور کنیم و به سوی آخرالزمانی بدون غایت پیش می‌رویم که عاری از استحاله‌های معنوی است. گویی تنها **انکشاف** وجه دیگر چیزها است که می‌تواند به این جهان خالی از معنا، روحی بدمد و تعادل از میان‌رفته را از نو، برقرار کند (Shayegan, 2017: 436). چنان‌که شاید دوران پست‌مدرن، آغازگاه زمینه جدیدی در معماری باشد؛ ولی ساختارهای ثبت‌شده آن، بیش‌تر التقاطی بوده‌اند؛ که در آن حس واکنش به دوران خردگرایی پیشین، بیش‌تر از آن‌که دربرگیرنده نظریه جدید و قابل تبدیل کالبدی گردد، که حاوی نظرگاه فلسفی و دست‌ورعملی از یک گفتمان بوده است (Diba, 2014: 3-12).

بر ما بسی کمان ملالت کشیده‌اند
ما با وجود سنگ ملامت سلامتیم

تقدیر و تشکر

این مقاله، برگرفته از رساله دکتری امیرداود مصلحت‌جو با عنوان «*تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم*»، می‌باشد؛ که به راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیجانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، انجام پذیرفته است.

References

Persian References:

- Abdolkarimi, Bijan (1992). *Neo-Enlightenment Tradition*, Journal of Kian, 2(8): 11-17.
- Abdolkarimi, Bijan (2016). *The question of Iranian post-modernism*, Tehran: Center for Iranian and Islamic Studies press (CGIE).
- Abdolkarimi, Bijan (2017). *Monism or Pluralism*, Tehran: Naqd-e-Farhang Pub.
- Abel, Chris (2008). *Architecture and identity*. Translated by Farah Habib, Tehran: Islamic Azad University; Science & Research Branch.
- Abrahamian, Ervand (2010). *A history of modern Iran*, Translated by Shahriar Khajian, Tehran: Dot Book Pub.
- Adib, Mohammad Hossein (2000). *Iran's economic crises and ways out of it*, Isfahan: Amozeh Pub.
- Ahmadi, Babak (2015). *Modernity and critical thought*, 11th edition, Tehran: Nahr-e-Markaz.
- Ahmadi, Hamid (2002). *Globalization; Ethnic identity or national identity?*, Journal of National Studies, 3(11): 13-26.
- Ahmadipour, Zahra and Heydari Mosolu, Tahmourth and Lashgari, Ehsan (2010). *Globalization and Iranian Identity*, Journal of Applied researches in Geographical Sciences, 15(18): 85-105.
- Alikhani, Ali Akbar (2004). *Theoretical foundations of identity and identity crisis*, Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR).
- Ardalan, Nader and Diba, Darab (1999). *Architecture Today*, Journal of Urban and Architecture, 17(57): 1-6.
- Ashraf, Ahmed (2016). *Iranian identity from ancient era to the end of Pahlavi*, translated and compiled by Hamid Ahmadi, Tehran: Nahsr-e-Ney.
- Azizkhani, Eghbale and Irani Kalor, Asghar and Yahyazadeh, Maryam (2014). *Investigating the political obstacles to Iran's industrialization from the beginning of the Safavid to the end of the first Pahlavi period*, Journal of Iranian Social Sciences, 11(43): 126-146.
- Bani Mas'ud, Amir (2015). *Iranian contemporary Architecture*, 6th edition, Tehran: Honar-e Memari Pub.
- Baradaran Shoraka, Hamid Reza and Safavi, Bijan (1997). *Investigating Iran's Industrial Growth: Industrial Export Development Strategy*, Iranian Journal of Trade Studies, 2(3): 55-80.
- Bashiriyeh, Hossein (2004). *Political ideology and social identity in Iran*, Journal of Naqid, 2(2): 13-29.
- Berlin, Isaiah (2014). *The crooked timber of humanity: Chapters in the history of ideas*, translated by Leila Sazgar, Tehran: Qoqnoos Pub.
- Berman, Marshall (2013). *All that is solid melts into air: The experience of modernity*. translated by Morad Farhadpour, 9th edition, Tehran: Tarh-e-No Pub.
- Diba, Darab (2000). *Globalization of Architecture World*, Journal of Architecture and Urban, 13(60-61): 6-10.
- Diba, Darab (2014). *Plurality of today's views on architecture in stormy world*, Journal Architecture and Culture, 7(24): 3-12.

- Dorostkar, Ehsan (2021). *Application of U theory in Iranian urbanism*, Scientific Journal of Iranian Urbanism, 4(6), 42-52.
- Eslami Nadoushan, Mohammad Ali (2000). *What Iran has to say*, Tehran: Enteshar Co. Publish.
- Esmaeili, Reza and Sharifi, Saeed (2019). *Cultural Pluralism as a Response to Cultural Monopolism*, IQNA: ACECR, 4(30): 4-9.
- Eyvazi, Mohammad Rahim (2008). *The concept of culture as a system*, Journal of The Knowledge Studies in the Islamic University, 12(1): 5-25.
- Farhangdoust, Hadi (2022). *The origin and nature of conceptual architecture*, Scientific Journal of Iranian Urbanism, 5(9), 108-126.
- Geertz, Clifford (2020). *The interpretation of cultures*, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Sales Pub.
- Geravand, Mojtaba and Parvaneh, Farhad (2017). *Religious identity and the role of history in the formation of identity*, Journal of Tarikhnameh Khwarizmi, 5(18): 144-161.
- Ghaffari, Yashil (2011). *Evolution the Theory Development" in Globalization Age And Identity of Nations*, Journal of Strategic Studies of Public Policy, 2(2): 111-135.
- Groat, Linda N and Wang, David C (2015). *Architectural research methods*, translated by Ali Reza Einifar, 7th edition, Tehran: University of Tehran Press (UTP).
- Habermas, Jürgen (2013). *Problems of modernism foundations of post - modernism (a collection of articles)*, translated by Seyyed Ali Mortazavian, 4th edition, Tehran: Ministry of culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2021). *An introduction to the research method in humanities*, 28th edition, Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT).
- Hojjat, Isa (2014). *Tradition and innovation in architectural education*, University of Tehran Press (UTP).
- Jameson, Fredric (2000). *Postmodernism, or, the cultural logic of late capitalism*, translated by Farhang Rajaei et al., Tehran: Hermes Pub.
- Jencks, Charles and Kropf, Karl (2018), *Theories and manifestoes of contemporary architecture*, translated by Ehsan Hanif, Tehran: Fekr-e-No Pub.
- Kasrai, Mohammad Salar (2005). *The Conflict of Tradition and modernity in Iran*, 2nd edition, Tehran: Nahr-e-Markaz.
- Kavousi, Esmaeil and Hosseinzadegan, Zohre (2011). *Preservation of Iranian-Islamic identity in the process of globalization*, Journal of Strategic Studies of Public Policy, 2(3): 37-62.
- Khatami, Seyyed Mohammad (2001). *Dialogue of Civilizations*, Tehran: Trah-e-No Pub.
- Malekian, Mostafa (2009). *Tradition and Secularism*, 5th edition, Tehran: Serat Pub.
- McCarthy, E. Doyle (2009). *Knowledge as culture: the new sociology of knowledge*, translated by Seyyed Hossein Nabavi, Tehran: Institute for Cultural, Social and Civilization Studies.
- Mirbabapour, Mostafa and Sajedi, Abolfazl (2013). *Religion and Modernity; Examining the reductionist approach to religion in relation to modernity*, Knowledge of Theology Journal, 4(10): 93-114.
- Mozafari, Mehdi (2000). *Great Civilization: Global Capital and New Criteria of Civilization*, translated by Anahita Shabani, Journal of Political and International Studies (IPIS), 14(3): 659-672.

- Naderi, Ezzat-Allah and Seif Naraghi, Maryam (2020). *Research methods*, 18th edition, Tehran: Arsbaran Pub.
- Pakzad, Jahanshah (2004). *Qualitative measures of space measurement*, Journal of Abadi, 13(39): 94-103.
- Rahbari, Mahdi (2006). *Knowledge and Power: Mono or Multiple Identity*, Political Science Journal, 1(3): 73-98.
- Rajaei, Farhang (2016). *Iranian identity problematic*, 7th edition, Tehran: Nashr-e-Ney.
- Rasekh, Karamat-Allah (2016). *Philosophical foundations of identity from the viewpoint of Martin Heidegger*, Journal of Socio-cultural knowledge, 7(27): 5-23.
- Shariati, Ali (2015). *Recognizing Iranian-Islamic Identity*, Khorasan: Sepideh-Bavaran Pub.
- Shayegan, Dariush (2017). *Light comes from the West, The re-enchantment of the world and nomadic thought (Ex occidente lux)*, 9th edition, translated by Fateme Valiani, Tehran: FarzanRooz.
- Shoorcheh, Mahmood (2020). *Urbanism and Planning for the City through the Gilles Deleuze's Philosophy*, Scientific Journal of Iranian Urbanism, 3(5), 34-53.
- Smith, Adam (1978). *The Wealth of the Nations*, translated by Cyrus Ebrahimzadeh, Tehran: Payam Pub.
- Soltanzadeh, Hossein (2017). *Architecture Identity*, the book of Iranian architects, volume 1, Tehran: TIS Pub. & AMMI press.
- Soroush, AbdulKarim (2013). *Confidentiality and intellectualism and religiosity*, 9th edition, Tehran: Serat Pub.
- Venturi, Robert (2010). *Complexity and contradiction in architecture*, translated by Ali Reza Mirtorabi and Mohammad Reza Manouchehri, Tehran: Samira Pub.
- Wieviorka, Michel (1999). *Challenges of Sociology in Contemporary era*, translated by Houshang Farrkhojasteh, Political and Economic Quarterly, 149-150 (5-6): 82-89.
- Yarshater, Ehsan (2016). *Civilizational wisdom: a selection of the works of Ehsan Yarshater*, with the effort and foreword by Mohammad Tavakkoli Targhi and Homayoun Katouzian, 2nd edition, Toronto: Iran Nameg Book.
- Zahed, Saeed and Jajermizadeh, Mohsen and Taghavi, Mohammad Reza (2013). *Culture as a Medium between Social Will and Social Action: A Comparative Study of Islamic and Secular Cultures*, journal of interdisciplinary studies in media and culture, 3(2): 55-76.
- Zoheiri, Ali Reza (2001). *National Identity and Islamic Revolution*, Journal of Political Science, 4(16): 105-124.

Latin References:

- Charmaz, Kathy (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. sage.
- Deleuze, Gilles (1993). *The fold: Leibniz and the Baroque*. U of Minnesota Press.
- Flick, Uwe. *The SAGE Handbook of Qualitative Research Design :An introduction to qualitative research* .SAGE. 2022.
- Fornas, Johan (1995). *Cultural theory and late modernity*. Sage.
- Jencks, Charles (1996). *What is post-modernism?* London: Academy Editions.
- Loos, Adolf (1998). *Ornament and crime: Selected essays*. Ariadne Press.
- Marcel, Gabriel (1955). *L'homme problématique*.

- Nietzsche, Friedrich Wilhelm (1901). *Der wille zur macht: versuch einer umwerthung aller werthe (studien und fragmente)* (Vol. 7). CG Naumann.
- Pieterse, Jan Nederveen (2019). *Globalization and culture: Global mélange*. Rowman & Littlefield Publishers.
- Russell, Bertrand (1959). *My philosophical development*.
- Tomlinson, John (1999). *Globalization and culture*. University of Chicago Press.
- Toynbee, Arnold. J, (1935); *a Study of History* (2ed ed.), Oxford University Press, 68(1): 38.
- Wendrich, Willeke (Ed.). (2008). *UCLA Encyclopedia of Egyptology*. UCLA, Department of Near Eastern Languages and Cultures.



نحوه ارجاع به این مقاله:

مصلحت‌جو، امیرداود و قاسمی سیجانی، مریم و قبادیان، وحید و عبدالکریمی، بیژن. (۱۴۰۲). معماری معاصر ایران و مسئله جهانی‌شدن (بررسی علل ناکامی معماری معاصر ایران از دستیابی به معماری جهانی)، شهرسازی ایران، ۶ (۱۰)، ۸۰ - ۱۰۴.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1402-6-10-article5/>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27170918.1402.6.10.5.4>